Baker Collection

Arabic Mss. No. 22

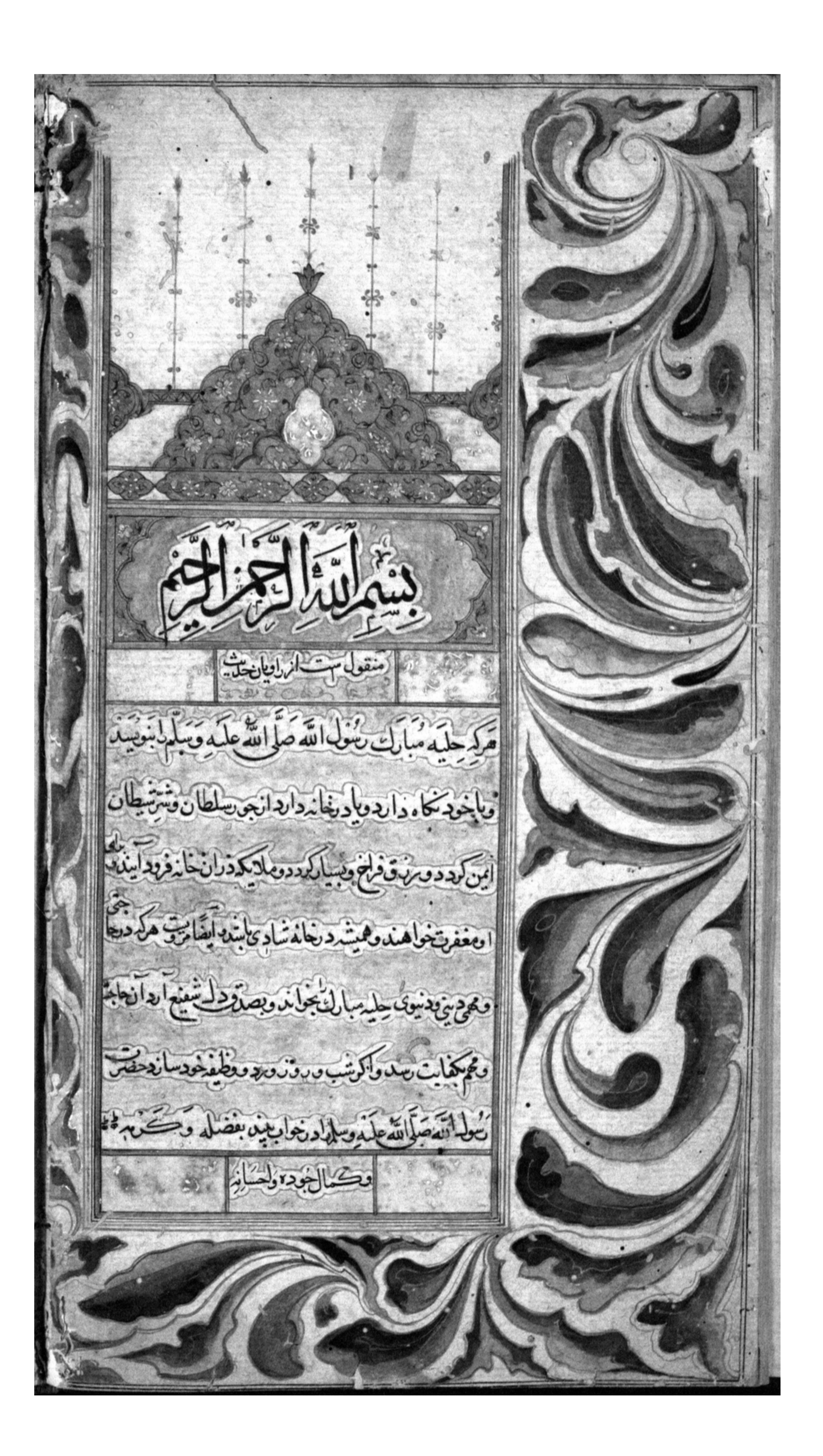
حلية مباركه

٢٢

الحلية المباركة




Catalogued.
A.M.A. Haque.
9.3.12.

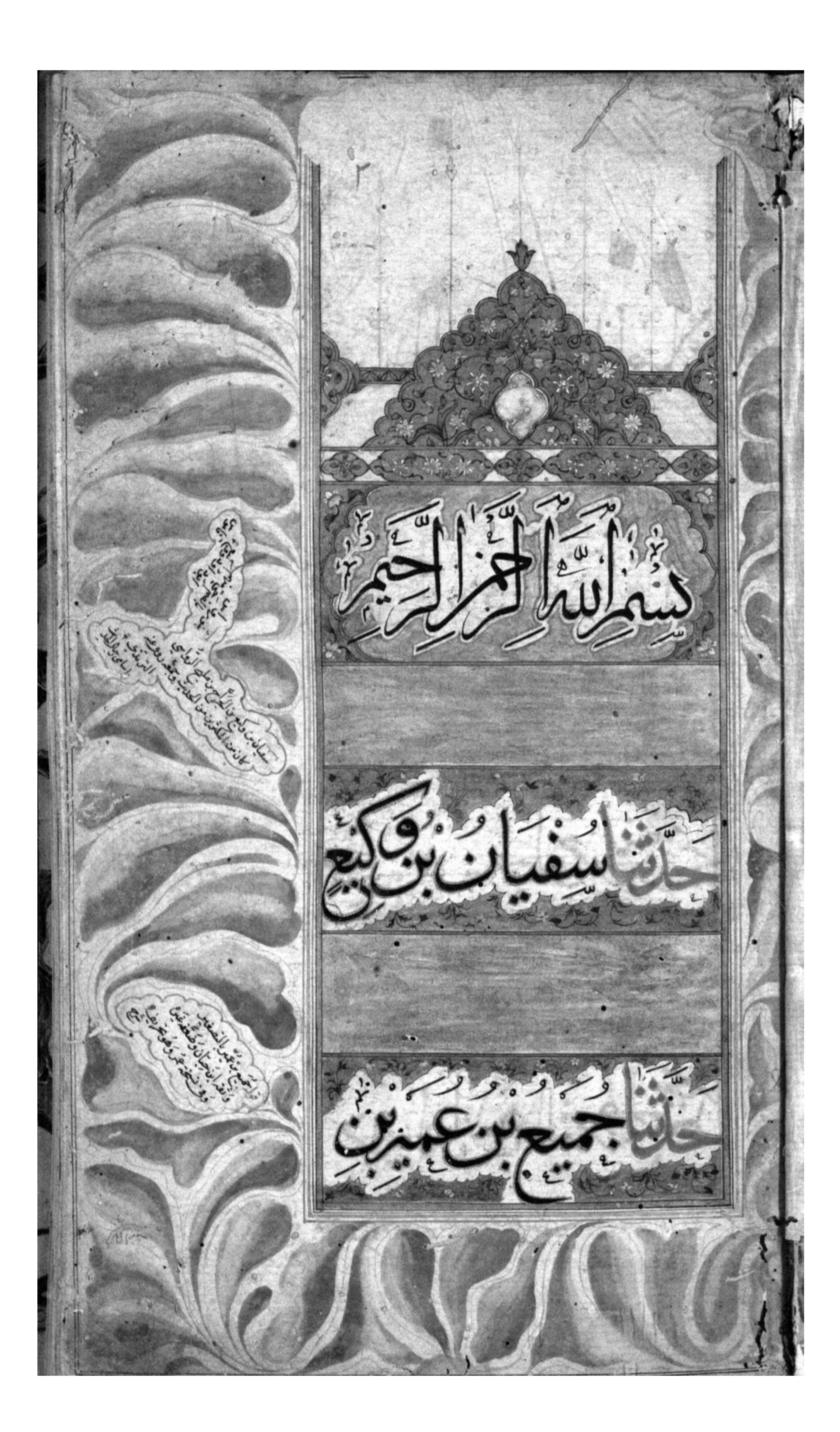


بسم الله الرحمن الرحیم

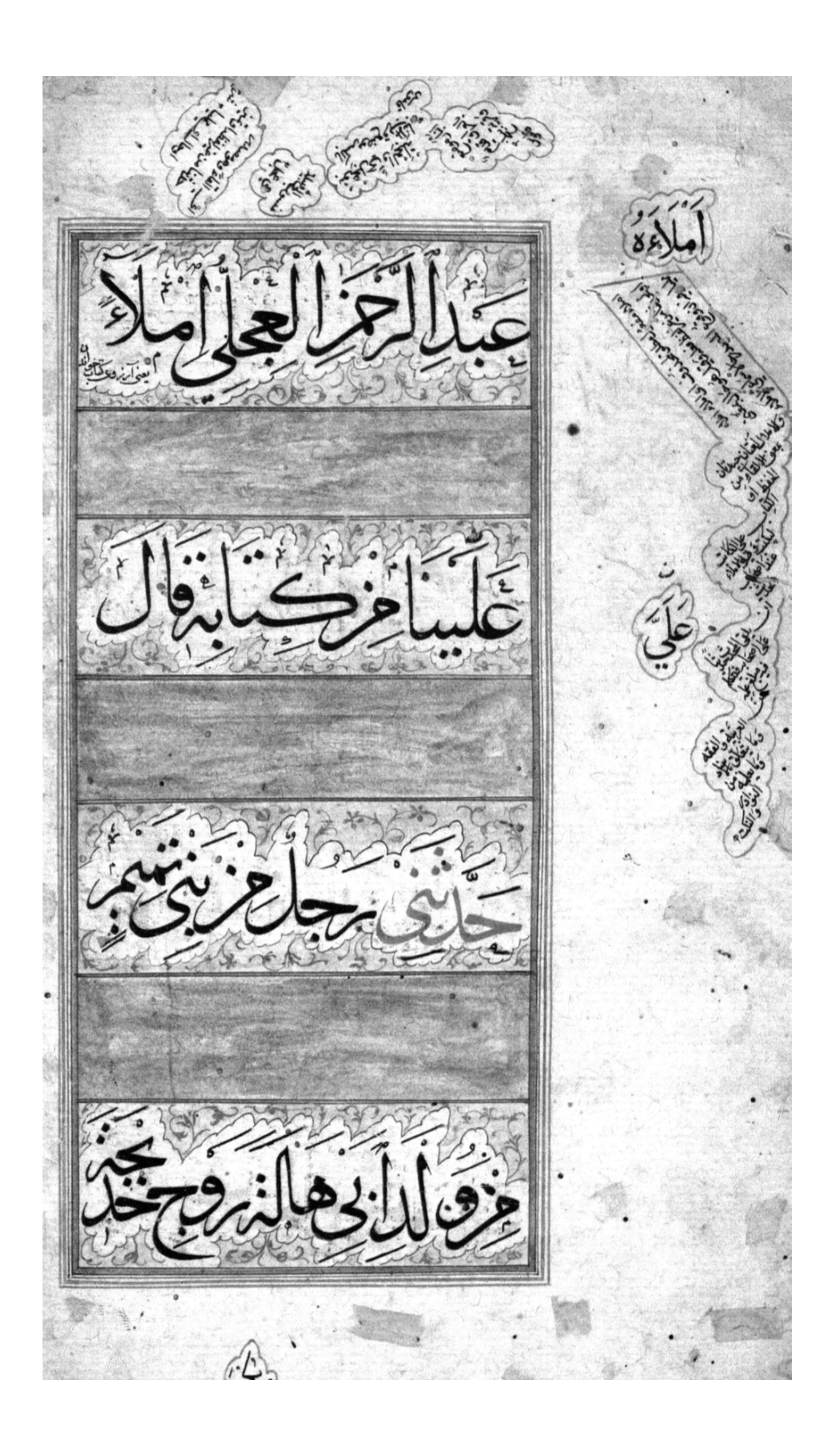
منقول است از راویان حدیث

هر که حلیه مبارک رسول الله صلی الله علیه وسلم را بنویسد
و با خود نگاه دارد و یا در خانه دارد از جور سلطان و شر شیطان
ایمن گردد و رزق فراخ و بسیار گردد و ملایکه دران خانه فرود آیند برای
او مغفرت خواهند و همیشه در خانه شادی باشد و ایضا مرویست هر که در حاجتی
و مهمی دینی و دنیوی حلیه مبارک را بخواند و بصدق دل شفیع آرد آن حاجت
و مهم بکفایت رسد و اگر شب و روز ورد و وظیفه خود سازد حضرت
رسول الله صلی الله علیه وسلم را در خواب بیند بفضله و کرمه

و کمال جوده و احسانه



بسم الله الرحمن الرحيم
حدثنا سفيان بن وكيع
حدثنا جميع بن عمير بن


عبد الرحمن العجلي إملاء

علينا من كتابه قال

حدثني رجل من بني تميم

من ولد أبي هالة زوج خديجة

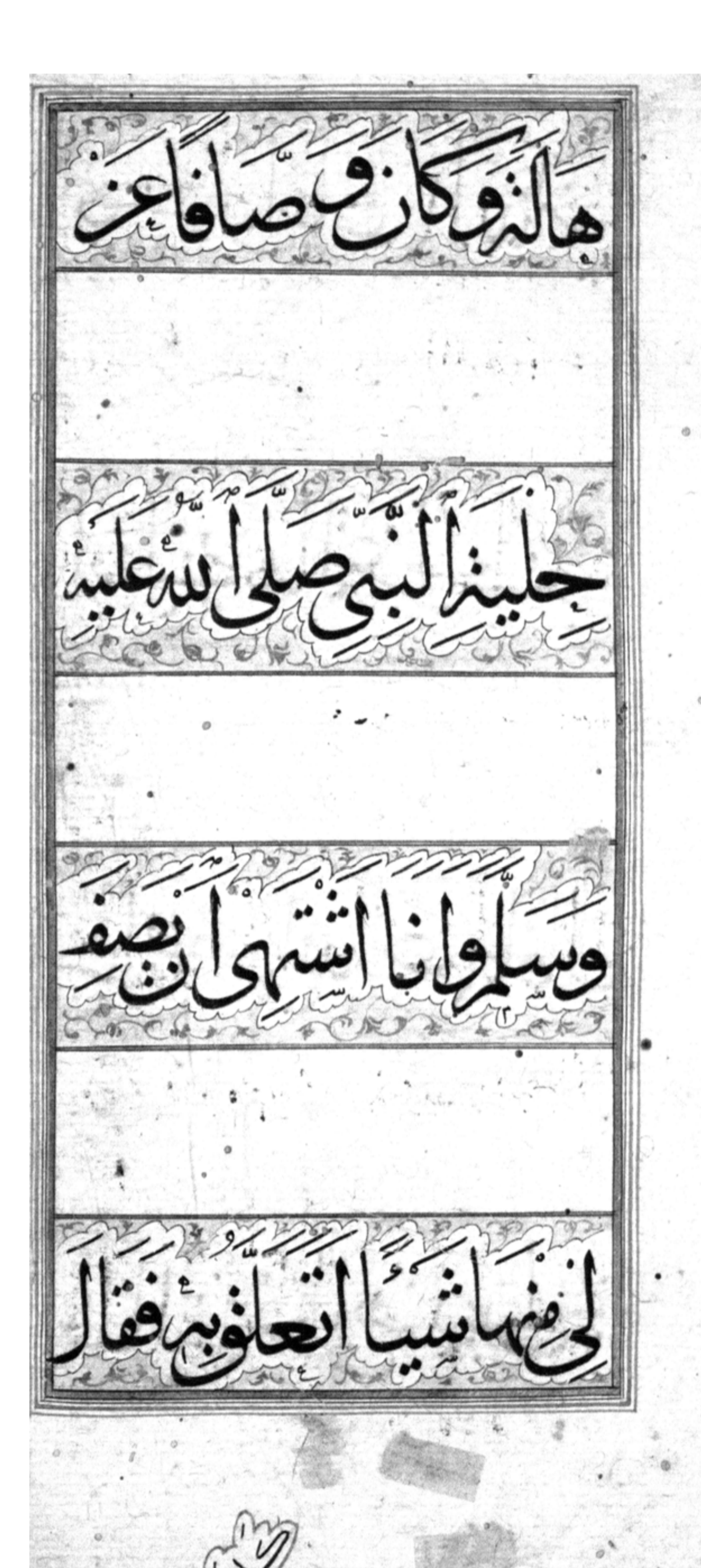


يكنى أبا عبد الله عن

ابن أبي هالة عن الحسن بن

علي رضي الله عنهما قال

سألت خالي هند بن أبي

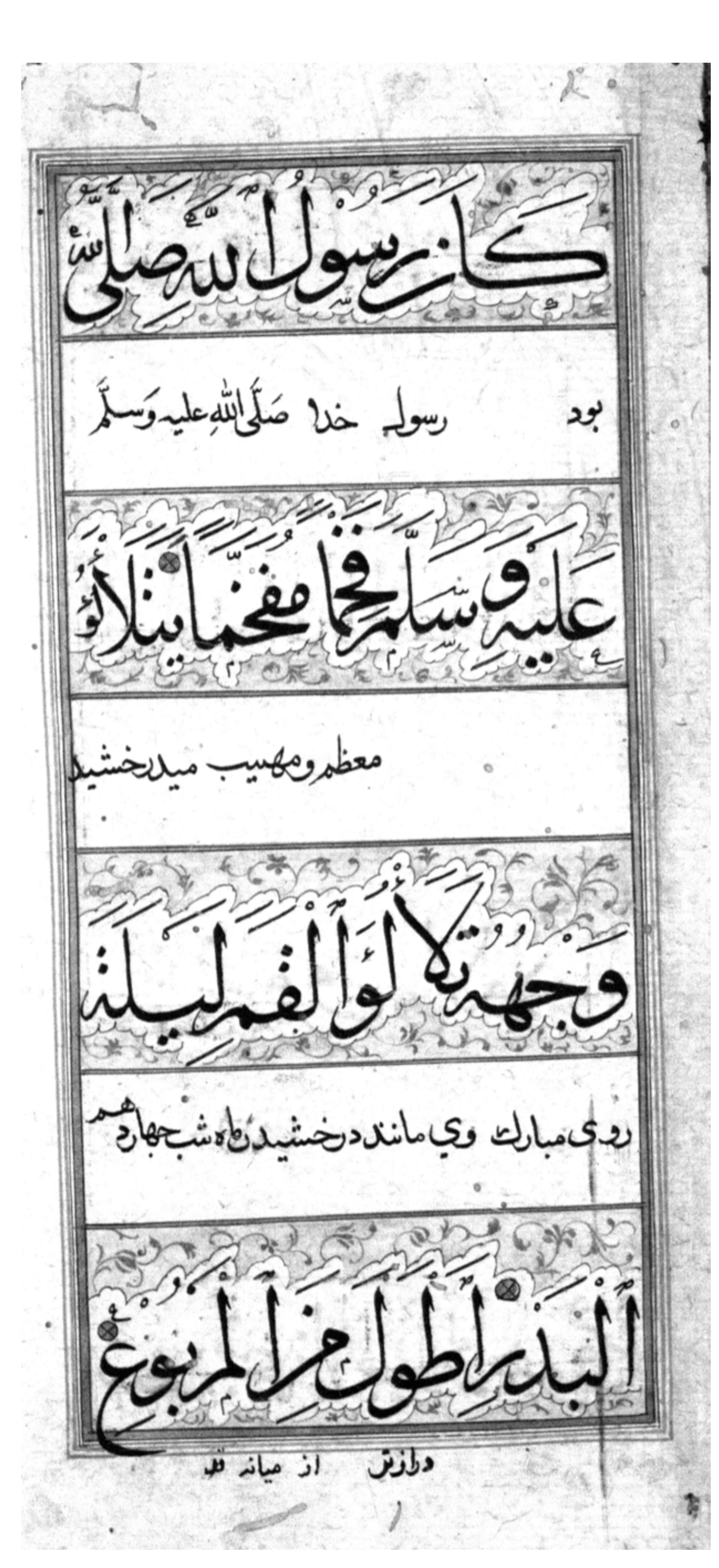


هالة وكان وصافا عن

حلية النبي صلى الله عليه

وسلم وانا اشتهي ان يصف

لي منها شيئا اتعلق به فقال



كان رسول الله صلى الله

بود رسول خدا صلى الله عليه وسلم

عليه وسلم فخما مفخما يتلألؤ

معظم و مهيب ميدرخشيد

وجهه تلألؤ القمر ليلة

روى مبارك وى مانند درخشيدن ماه شب چهاردهم

البدر اطول من المربوع

درازتر از ميانه قد



واقصر من المشذب عظيم

وكوتاه تر از مرد دراز قد مفرط بزرك بود

الهامة رجل الشعر ان انفرقت

سر مبارك با اعتدال آنكه جوليدكى داشت موى مبارك اكر باز
ميشد بخود ميشد يعنى اكر ميكشاد

عقيقته فرق والا فلا يجاوز

موى او بخود ميكشاد اكر باز نميشد موى مبارك پس باز نمى كرد
آن خود يعنى از قصد خود تجاوز ميكرد موى او يعنى مى رسيد

شعره شحمة اذنيه اذا هو وفره

موى او تا نرمه كوش مبارك او وقتى كه وى صلى الله عليه وسلم
ميكشاد تمام آنرا





أزهر اللون واسع الجبين

روشن تر بود رنگ مبارک کشاده بود پیشانی مبارک

أزج الحواجب سوابغ

باریک بود هردو ابروی مبارک تمام موی یعنی کامل بود ابروان
مبارک

في غير قرن بينهما عرق يدره

ابروان مبارک بهم متصل نبود بسیار فرجه هم نبود اتصال
بود بموی چند درمیان هردو ابرو رگی بود که میجنبانید انرا

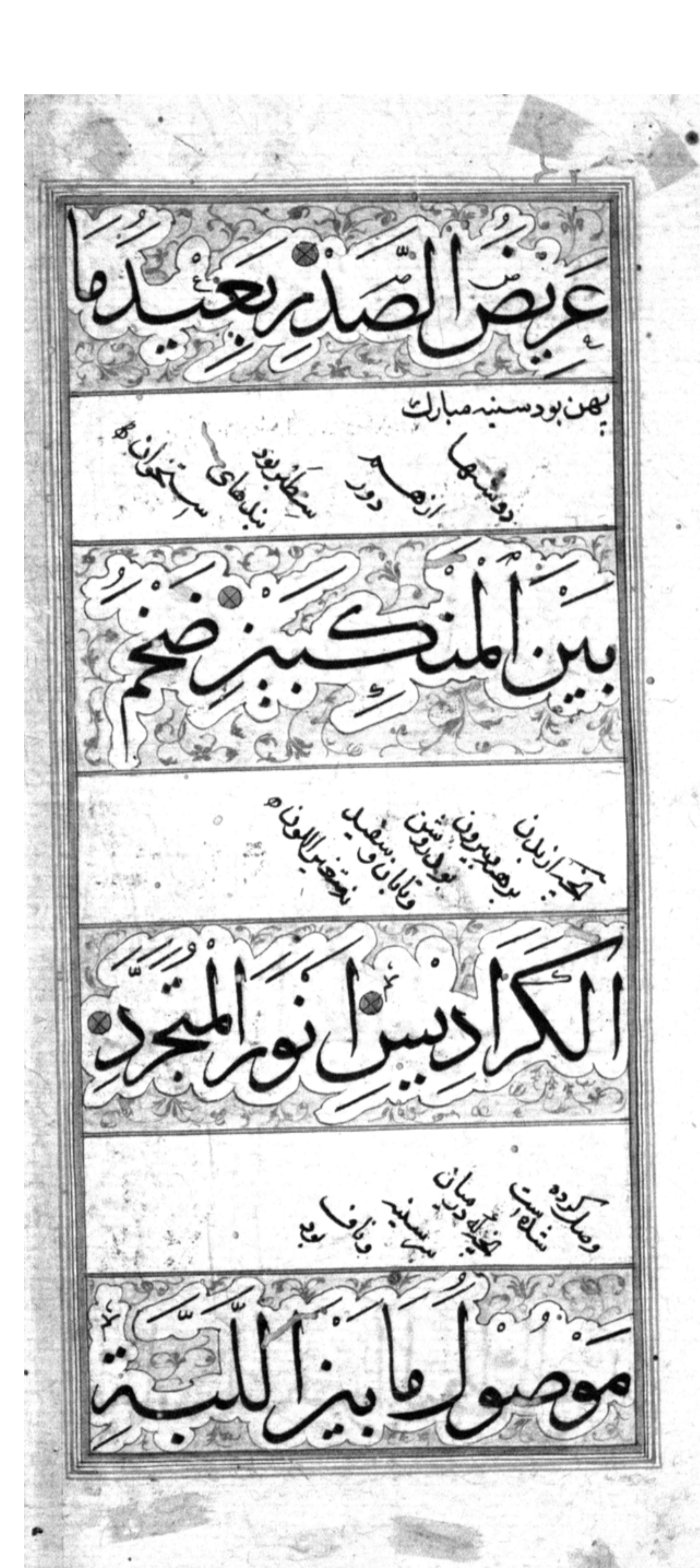
الغضب اقنى العرنين له

خشم بلند بن بینی مرا ورا


نور يعلوه يحسبه من لم
يتامله اشم كث اللحية
سهل الخدين ضليع الفم
مفلج الاسنان دقيق



المسربة كان عنقه جيد
کشیده بود باریک از سینه تا ناف مبارک گویا گردن مبارک ست
گردن صورتی
تراشیده از عاج در صفا سیمی نقره
دمیة فی صفاء الفضة
میانه بود همه اعضای مبارک صلی الله علیه وسلم پر گوشت ه
معتدل الخلق بادن
در هم بسته برابر بود شکم مبارک و سینه مبارک نه بیشتر از آن و نه بلندتر از آن یعنی بود سینه مبارک
متماسك سواء البطن والصدر



عريض الصدر بعيد ما
پهن بود سینه مبارک
دوشها از هم دور سطبر بود بندهای استخوان
بين المنكبين ضخم
جدا از بدن برهنه بیرون بود روشن و تابان و سفید بغیر از موضع موی
الكراديس انور المتجرد
وصل کرده شده بود رشته خط در میان سینه و ناف بموی
موصول ما بين اللبة



والسرة



والسرة بشعر يجري كالخط

از موی که جاری شده است مانند خط باریک

تا ناف و از موی سینهٔ مبارک و شکم مبارک

عاري الثديين والبطن

جز آن خط باریک موی دراز بود بر هردو ذراع مبارک صلی الله علیه وسلم

مما سوى ذلك اشعر الذراعين

و هر دو دوش مبارک و بالای سینه مبارک

والمنكبين واعالي الصدر



طويل الزندين رحب الراحة

دراز بود بندهاي هر دو دست — فراخ بود كف دست

سطبر بود و سطبر بود هر دو كف دست و هر دو قدم مباركش

شثن الكفين والقدمين

دراز بودند انگشتهاي آنحضرت صلى الله عليه وسلم

سائل الاطراف وقال

بسيار بلند موضعي

شائل الاطراف خمصان




الأخمصين مسيح
از کف پا که نمی رسید بزمین پا هموار و ملسا
القدمين ينبو عنهما الماء
نرم و بی پارگی که سیلان میکند و نیز میکند آب از انها
یعنی از آن هر دو قدم از جهت ملاست
اذا زال قلعا
وقتی که بر میداشت پا از زمین بتمام و کشاده بر می داشت
يخطو تكفّيا و يمشي
کام می نهاد بمیل کردن بجانب پیش



هونا ذريع المشية اذا

شتاب میرفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم وقتی که

مشى كانما ينحط من

میرفت گویا که فرومی آید از زمین منحدره

بجانب نشیب وقتی که متوجه میشد بسوی کسی

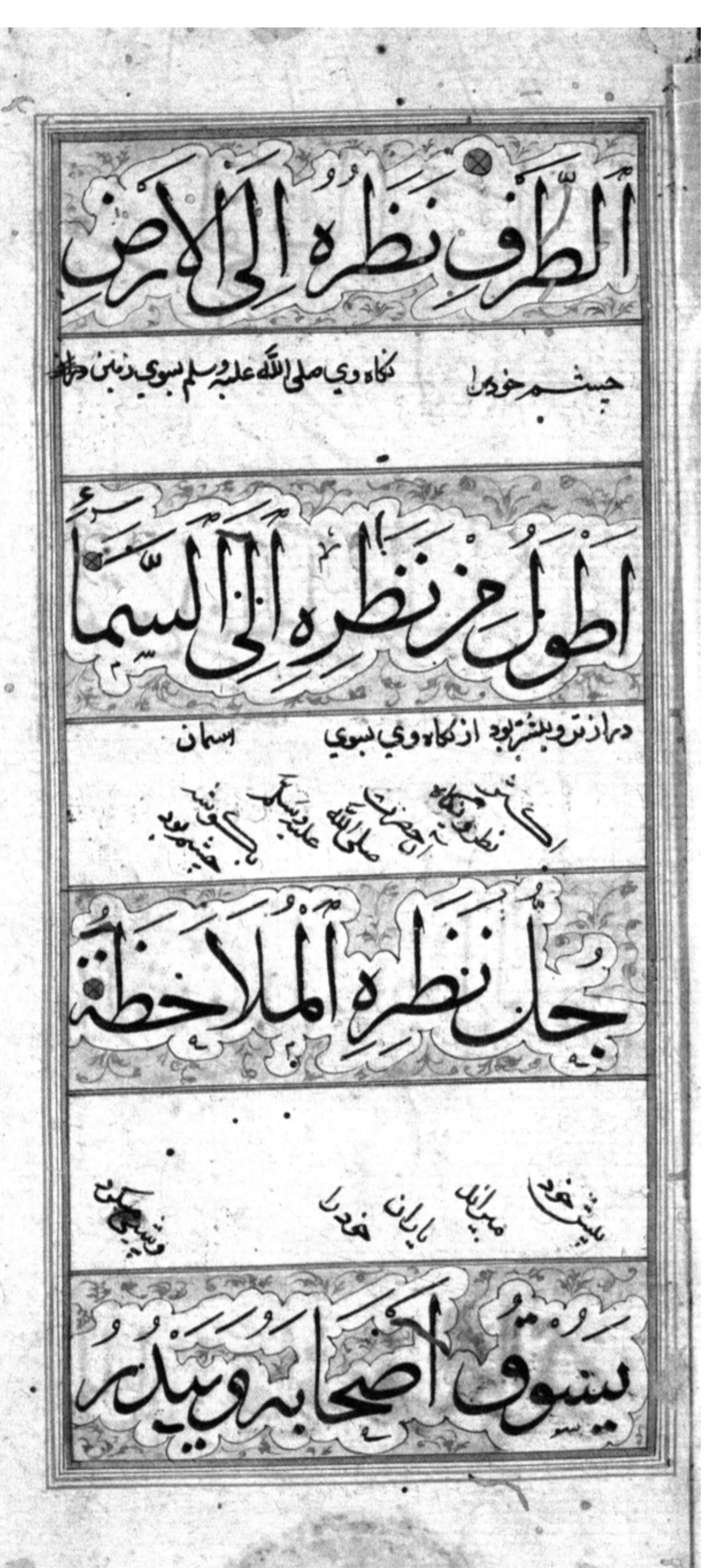
صبب واذا التفت

التفات میکرد بتمام بابدن مبارک

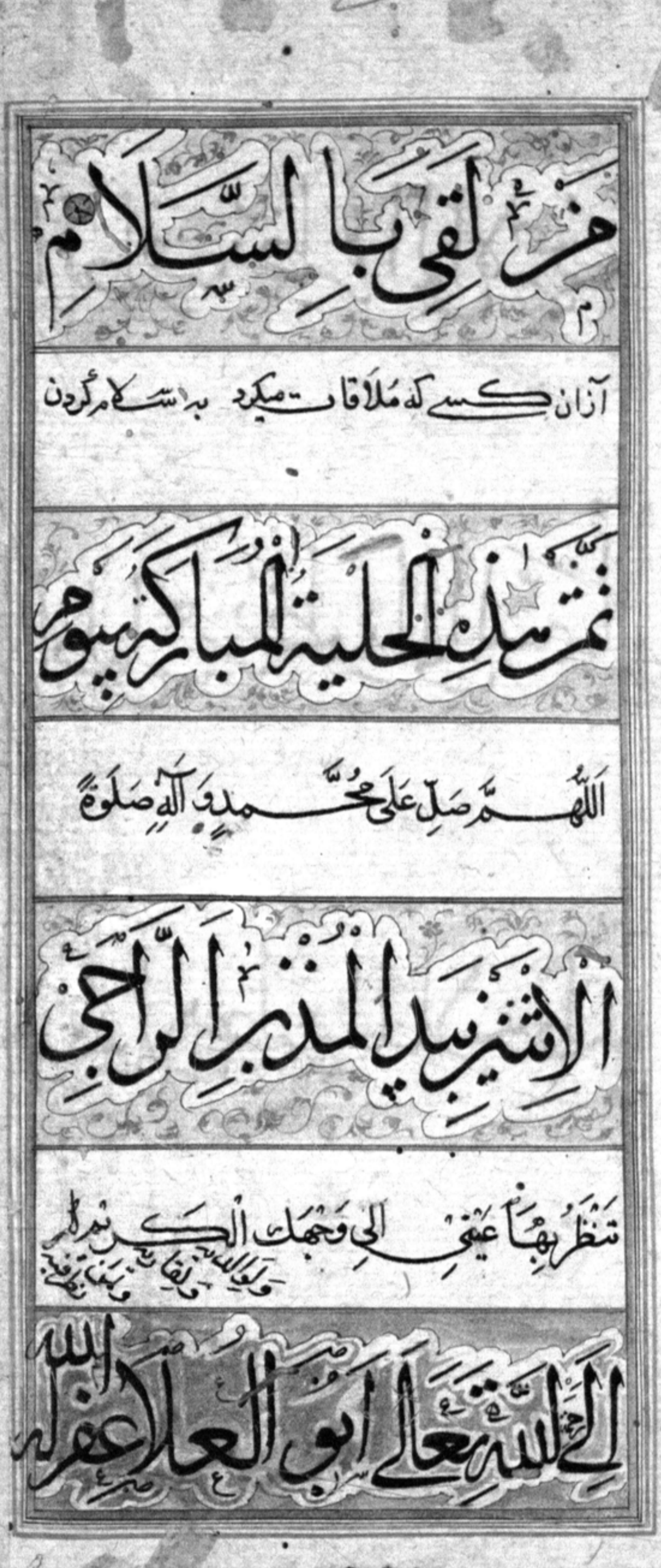
التفت جميعا خافض



الطرف



الطرف نظره الى الارض
چشم خود را نگاه وی صلی الله علیه وسلم بسوی زمین
اطول من نظره الى السما
دراز تر و بیشتر بود از نگاه وی بسوی اسمان
جل نظره الملاحظة
یسوق اصحابه ویبدر



من لقی بالسلام

آزان کسی که ملاقات میکرد به سلام کردن

تمت هذه الحلیة المبارکة یوم

اللهم صل علی محمد و آله صلوة

الاثنین بید المذنب الراجی

تنظر بها عینی الی وجهك الکریم

ولقائك

الی الله تعالی ابو العلا غفر الله

